

نقد و بررسی معادل کاربردی و معادل صوری در ترجمه قرآنی بوبتسین
به همراه مقایسه ترجمه "سوره قدر" با ترجمه روکرت و رودی پارت

فاطمه خداکرمی^۱

چکیده

در طول تاریخ، قرآن با انگیزه و اهداف متعددی ترجمه و بازترجمه شده است. با آغاز قرن بیستم و تداوم نگرش علمی و محققانه در حوزه اسلام‌شناسی قرن هجدهم و نوزدهم میلادی، شرق‌شناسان دین‌پژوه و اسلام‌شناسان بمنظور مقابله با دیدگاه‌های غرض‌ورز و ترجمه‌های غیرعلمی سده‌های قبل، به ترجمه و بازترجمه‌های علمی و کاربردی قرآن مبادرت کردند. از جمله ترجمه‌های شاخص قرن حاضر می‌توان به ترجمه هارتموت بوبتسین شرق‌شناس و دین‌پژوه آلمانی اشاره کرد که به صورت مستقیم از اصل عربی به زبان آلمانی ترجمه شده است. یکی از دلایل شاخص بودن ترجمه بوبتسین رسا بودن و مخاطب‌محور بودن زبان ترجمه است، بنابراین در مقاله حاضر، نگارنده ضمن نگاهی به سیر ترجمه‌های قرآن به زبان آلمانی، به بررسی هدف بوبتسین از ترجمه قرآن و علت شاخص بودن این ترجمه براساس نظریه ورنرکولر از دیدگاه متن‌محور یا مخاطب‌محور به روش تحلیلی-توصیفی می‌پردازد. با طرح این پرسش که آیا ترجمه این شرق‌شناس دین‌پژوه به لحاظ تبیین معنای قرآنی و اثرگذاری معنوی (از منظر ارتباطی-مخاطب‌محور "معادل کاربردی") در مقایسه با ترجمه موزون قرآنی روکرت و ترجمه تفسیری رودی پارت، ترجمه موفق بوده و اینکه تا چه میزان ساختار صرفی-نحوی و بلاغی زبان عربی (معادل صوری) به زبان معیار مقصد منتقل شده است؟ حاصل این تحقیق مهر تأییدی است بر شاخص بودن ترجمه قرآنی بوبتسین. واژگان کلیدی: ترجمه قرآن، هارتموت بوبتسین، متن‌محور (معادل صوری)، مخاطب‌محور (معادل کاربردی)، ورنرکولر.

۱. مقدمه

ترجمه متون ادبی و متون مذهبی بخاطر سبک و ساختار و پیام متن همواره از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است. تفاوت بارز ترجمه متون مذهبی با متون ادبی در برقراری تعادل و انتقال معنا به خواننده است. در متون ادبی معنای متن با خواندن منتقل می‌شود، اما در متون مذهبی حتی ترتیب واژگان و تعداد حروف یک کلمه دارای نوعی رمز است و انتقال معنا صرفاً با خواندن محقق نمی‌شود و نیاز به تفسیر و درک شبکه‌های پنهان معنایی است (احمدی ۲). در ترجمه متون ادبی، مترجم معمولاً با توجه به متغیرهای متعدد از جمله هدف ترجمه، نوع و اهمیت متن و نوع خواننده روش و استراتژی‌های خود را مشخص می‌کند (خزاعی ۸). در ترجمه متون مذهبی بخصوص ترجمه کتب آسمانی بویژه قرآن کریم بدلیل آنکه کلام الهی تفسیربردار و دارای لایه‌های گوناگون معنایی است (زیار ۷۴)، علاوه بر موارد فوق برای تبیین معنای ژرف قرآنی، دانش و آگاهی به حکمت آیات قرآنی و همچنین درک مترجم از تفاسیر آیات ضروری است. از سویی دیگر "سبک تنظیم و شیوه ارائه مطالب" که از مؤلفه‌های اعجاز قرآنی و ویژگی‌های زیباشناختی زبان قرآن است، هرگونه همانندآوری و تقلید را از بشریت سلب می‌کند. به اعتقاد گوته شاعر و ادیب بلندآوازه آلمانی، سبک قرآن مطابق با مضامین قرآنی، گاه سخت‌گیرانه، گاه سترگ و رعب‌انگیز و متعالی است و نباید از سبک و تأثیر شگرف آن غافل شد (West-östlicher Divan/ Noten und Abhandlungen).

مفسران قرآنی از جمله جلال‌الدین سیوطی که از مفسران و قرآن‌پژوهان قرن دهم است، بر ترجمه‌ناپذیر بودن رمز و راز نهفته در عمق آیات قرآنی تأکید دارند. بوبتسین با استناد به نظر سیوطی به اعجاز قرآن و تقلیدناپذیری سبک قرآن اشاره می‌کند و معتقد است مترجم به هنگام ترجمه فقط تفسیر و یا توضیحی ارائه می‌دهد که در خدمت "اهمیت قرآن" است، زیرا انتقال سبک اعجاز‌آمیز قرآن به لحاظ آوایی به هیچ عنوان به زبان دیگر امکان‌پذیر نیست (بوبتسین ۱۲۱). اگرچه ترجمه قرآن نمی‌تواند برگردان تمامی ویژگی‌های منحصربرفرد این کتاب آسمانی باشد، اما انتقال جنبه‌های معنوی و هدایتی این کتاب به سایر زبان‌ها میسر می‌باشد.

زبان هر قوم و ملتی ویژگی‌های خاص خود را دارد. یکی از ویژگی‌های خاص زبان عربی در این است که کتاب قرآن-کلام الهی به زبان عربی فاخر بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده و مطالب گسترده و عمیق آیات در قالب کلامی و رای ساختار کلام بشری بیان

شده‌اند، بنابراین می‌توان گفت ترجمه غیرمستقیم از قرآن با توجه به ویژگی‌های زبانی و ساختار سبکی قرآن و بُعد عمل‌گرایانه آن از جمله عواملی است که باعث خدشه‌دار شدن ترجمه به لحاظ برقراری تعادل کاربردی-معنایی و زیباشناختی می‌شود. ترجمه‌های اولیه قرآن به صورت واژه‌به‌واژه و بین‌خطی بوده است. تلاش صرف مترجم در حفظ صورت و ساختار متن اصلی، باعث نادیده گرفتن روابط معنایی میان عناصر متن می‌شود و مخدوش شدن روابط معنایی میان اجزای متن اصلی باعث از بین رفتن تعادل زیباشناختی می‌شود (خزاعی ۸). در ترجمه قرآنی، در کنار سبک مترجم و کیفیت ترجمه، توجه به تفسیر و درک مترجم از آیات الهی و جنبه‌های زیباشناسی ضروری است. یک ترجمه خوب از قرآن علاوه بر تفسیر و تأویل معنوی و علمی قرآن، باید با رویکرد زیباشناختی، انتقال‌دهنده زیبایی و اعجاز کلام الهی باشد.

در این مقاله تلاش شده ضمن پرداختن به هدف بوبتسین از ترجمه قرآن، با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی و تحلیل علت شاخص بودن این ترجمه در مقایسه با ترجمه قرآنی روکرت (قرن نوزدهم) و رودی پارت (قرن بیستم) پرداخته شود و فرآیند ترجمه از دیدگاه متن‌محور یا مخاطب‌محور بر اساس معادل‌های تحلیل و ارزیابی متون ترجمه شده و رنر کولر نقد و بررسی شود. با طرح این پرسش که آیا ترجمه بوبتسین از منظر ارتباطی-مخاطب‌محور (معادل کاربردی) به لحاظ تبیین معنای قرآنی و اثرگذاری معنوی ترجمه موفق بوده و تا چه میزان ساختار صرفی-نحوی و بلاغی زبان عربی (معادل صوری) به زبان معیار مقصد منتقل شده است؟

۲- پیشینه تحقیق

در بررسی تاریخ ترجمه قرآن، اولین ترجمه آیات الهی به سال‌های صدر اسلام باز می‌گردد، زمانی که نماینده پیامبر اسلام (ص) جعفر بن ابی‌طالب، بخشی از سوره مریم را برای پادشاه حبشه، نجاشی، ترجمه کرد که موجب گرایش وی به حقانیت اسلام شد. نخستین رویارویی غرب با قرآن و اسلام در طی جنگ‌های صلیبی از قرن یازدهم تا قرن سیزدهم میلادی و با نگارش نخستین ترجمه لاتینی قرآن کریم آغاز شد. بوبتسین انگیزه اولیه اروپاییان در ترجمه قرآن را در تقابل بین جهان مسیحیت و جهان اسلام می‌داند. او در کتاب خود "قرآن در عصر اصلاحات و نواندیشی" (۱۹۹۵) اوج مطالعات و فعالیت‌های قرآنی اروپاییان را در قرن شانزدهم می‌داند که هم‌زمان با توسعه نفوذ

و قدرت دولت عثمانی در اروپای شرقی و مجادلات دینی و مذهبی بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها، شخصیت‌های بنام آن زمان از جمله مارتین لوتر و تئودور بیبلیاندر به مطالعه و ترجمه قرآن پرداخته‌اند. زمانی و حسین شاه در مقاله خود مطالعات قرآنی غربیان را به شش دوره تاریخی تقسیم‌بندی کرده‌اند که شروع این مطالعات در قرن هشتم و نهم میلادی تا نیمه قرن دوازده میلادی با رویکرد جدلی کلامی بوده است و با آغاز دوره روشنگری و عقل‌گرایی در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی رویکردها در مطالعات قرآنی توسعه یافت (زمانی ۲۲۸).

اولین ترجمه‌های قرآنی زیر نظر کلیسا و با اهداف خاص سیاسی-مذهبی از عربی به لاتین صورت گرفته‌اند. دیدگاه دانشمندان دینی و روحانیون کاتولیک به اسلام و حضرت محمد (ص) نگاهی معاندانه و مغرضانه بود. بخاطر ضدیتی که اربابان کلیسا در قرون وسطی با اسلام داشتند و به تصور اینکه دینی جدید قصد رقابت با دین مسیحیت دارد، دین اسلام و محمد (ص) را کافر، مشرک و خشن خطاب می‌کردند. انتساب اسامی تحقیرآمیز به محمد (ص) پیامبر اسلام در قرون وسطی و عصر جنگ‌های صلیبی توسط مسیحیان کاتولیک بسیار رایج بود و این امر به دلیل عدم شناخت آن‌ها از اسلام و محمد (ص) بوده است (خلیلی، سخنور ۱۰۸، ۱۰۵).

قرآن اولین بار به دستور پیتر مقدس^۱ (۱۰۹۴-۱۱۵۶)، رئیس دیرکلونی، به زبان لاتین ترجمه شد. پیتر مقدس نمی‌خواست با خشونت با اسلام مقابله کند. او تنها راه مبارزه با فرقه محمد را در قدرت کلام می‌دانست. به درخواست پیتر مقدس، رابرت فون کتون^۲ (۱۱۱۰-۱۱۶۰) الهی‌دان، انگلیسی قرون وسطی و آشنا به زبان و ادبیات عرب، کار ترجمه قرآن به زبان لاتین را به عهده گرفت و تا قرن ۱۶ میلادی ترجمه کتون مهمترین و در عین حال پراشتباه‌ترین منبع شناخت اسلام و درک مفاهیم قرآنی در میان اروپاییان بود. در سال ۱۵۴۳ استاد الهیات تئودور بیبلیاندر (۱۵۰۴-۱۵۶۴) سوئیسی بر اساس ترجمه کتون، ترجمه کامل‌تری از قرآن در بازل سوئیس منتشر کرد.

آلمانی‌ها نیز بواسطه جنگ‌های صلیبی (۱۱۴۹-۱۱۴۷) با جهان اسلام آشنا شدند. در آن زمان کشیشان و راهبان آلمانی که در آندلس بودند، زبان عربی را آموختند و آثار زبان عربی را به زبان لاتین ترجمه کردند و از این طریق میراث اسلامی به سرزمین

1. Peter der Ehrwürdige
2. -Robert von Ketton
3. Theodor Bibliander

آلمان منتقل شد.

اولین مترجم قرآن به زبان آلمانی سالمون شوایگر^۱ (۱۶۲۲-۱۵۵۱) روحانی آلمانی است. او که دانش‌آموخته الهیات مسیحی در دانشگاه توپینگن است، در دورانی که ترکان عثمانی برای غرب تهدید جدی بودند، ترجمه قرآن را در ۲۶۷ صفحه براساس ترجمه ایتالیایی آندریا آریوابنه (۱۵۴۷) با عنوان "قرآن ترک‌ها، مذهب و شرک"^۲ در نورنبرگ به زبان آلمانی منتشر کرد (۱۶۱۶). عنوان کتاب نه تنها بیانگر تفکرات ضداسلامی و عدم آشنایی مترجم با قلمرو دین اسلام است بلکه بیانگر نفوذ ترکان مسلمان عثمانی بر قاره اروپا است.

قرآن برای اولین بار در سال ۱۷۷۲ از اصل عربی به آلمانی ترجمه شد. کشیش آلمانی دیوید فریدریش مگرلین^۳ (۱۷۷۸-۱۶۹۸) هفتمین مترجم قرآنی و اولین مترجم قرآن از عربی به زبان آلمانی است. وی قرآن را با عنوان "کتاب مقدس ترکی"؛ ترجمه کرد. ترجمه مگرلین متأثر از تعصبات و گرایش‌های مذهبی مترجم و اشکالات نحوی و معنای متعددی است، بطوریکه "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" را (Im Namen des Dreyei-nigen Gott) به نام پدر، پسر و روح القدس ترجمه کرده است. گوته ترجمه مگرلین را اسفبار و "محصولی شرم‌آور"^۴ می‌داند (به نقل از Frankfurter Gelehrten (Anzeigen).

تئودور آرنولد^۵ (۱۷۷۱-۱۶۸۳) دیگر مترجم قرآنی است که ترجمه خود را بر اساس ترجمه انگلیسی قرآن جورج سیل^۶ به زبان آلمانی منتشر کرد (۱۷۶۴). گوته در دیوان شرقی و غربی^۷ خود بارها به ترجمه قرآنی آرنولد استناد کرده است. از دیگر مترجمان قرآنی تئودو نولدکه (۱۸۳۰-۱۸۳۶)^۸ خاورشناس و قرآن‌پژوه بنام آلمانی است. ترجمه او از قرآن براساس تحقیقاتش درباره موضوع‌های اساسی قرآن و دین اسلام است. نولدکه در اثر معروف خود "تاریخ قرآن"^۹ (۱۸۶۰) به بررسی سوره‌های مکی و مدنی،

1. Salamon Schweigger
2. Türcken Alcoran, Religion und Aberglaube
3. David Friedrich Magerlin
4. Die türkische Bibel
5. elende Produktion
6. Theodor Arnold
7. George Sale
8. Der West-östliche Divan
9. Theodor Nöldeke

ترتیب نزول آیات قرآنی و علت و زمان ظهور آن‌ها پرداخته است و در بررسی و ترجمه قرآن دقت و توجه به این موارد را ضروری می‌داند (نولدکه ۵۸).

در قرن هجدهم به همت و تلاش‌های یاکوب رایسکه^۱ (۱۷۱۴-۱۷۷۴) که زبان عربی را بدون معلم فرا گرفته و زندگی‌اش را وقف اشاعه آموزش فرهنگ و زبان عربی و تعلیم اسلامی کرده بود، تحقیق و تفحص بر روی منابع عربی در آلمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد و بحث و جدل خصمانه در مورد ماهیت کتاب قرآن به نگاهی علمی و محققانه بدل شد که سرآغاز ترجمه‌های موفق از قرآن است. در واقع می‌توان گفت با آغاز دوره روشنگری و عقل‌گرایی در اروپا و به طبع آن با کناره‌گیری اربابان کلیسا از سیاست، مطالعات اسلامی به تدریج از رنگ و بوی کاملاً دینی و کلیسایی بیرون آمد و جنبهٔ دانشگاهی و علمی بخود گرفت (الویری ۷۰)، بطوریکه از قرن نوزدهم نه تنها بطورگسترده تحقیق و تفحص علمی در مورد دین و تاریخ اسلام و شخصیت پیامبر اسلام (ص) آغاز شد، بلکه رویکردها در مطالعات قرآنی توسعه یافت. یکی از این رویکردها توجه به ویژگی‌های زیباشناختی زبان قرآن بود که می‌بایستی در زبان مقصد رعایت شود (همان). از بهترین ترجمه‌های قرآنی قرن نوزدهم به لحاظ نگاه محققانه و کاربردی مفاهیم قرآنی و حفظ فصاحت و بلاغت زبان، می‌توان به ترجمهٔ شرق‌شناس اتریشی یوزف هامرپورگشتال^۲ (۱۸۸۸) و ترجمهٔ موزون روکرت از قرآن اشاره کرد. هامرپورگشتال کتاب قرآن را نه تنها کتاب قانون دین اسلام، بلکه آن را شاهکار اثر ادبی زبان عربی می‌داند. او در مقدمه ترجمه‌اش قرآن را مهمترین و برجسته‌ترین اثری می‌داند که به زبان عربی نگاشته شده و بخاطر اعجاز و جاذبه‌های کلامی‌اش بی‌تردید می‌توان بر سخن محمد (ص) فرزند عبدالله، که قرآن کلام الهی است، مهرتأیید زد.

دیگر مترجم بنام قرآن در قرن نوزدهم فریدریش روکرت، شاعر، مترجم نامی و دانش‌آموختهٔ رشتهٔ علم کلام و زیبایی‌شناسی است که بخش‌های از قرآن را به آلمانی ترجمه کرده است (۱۸۸۴). روکرت مترجم مقامات حریری و حماسه ابوتمام از عربی به آلمانی است که این امر حاکی از تسلط وی بر زبان عربی است. وی نزد هامرپورگشتال زبان فارسی، ترکی و عربی را آموخته بود و سالهای متمادی در دانشگاه برلین زبان‌های عربی و فارسی تدریس کرده است. روکرت برای نخستین‌بار ترجمه‌ای موزون از قرآن

1. Jacob Reiske

2. Josef von Hammer-Purgstall

ارائه داد و خوانندگان آلمانی زبان را با آهنگ، وزن و موزون بودن آیات قرآن آشنا کرد. ترجمه روکرت به لحاظ زیبایی‌شناسی نه تنها سرآمد ترجمه‌های پیشین است، بلکه زمینه‌ساز ترجمه‌های قرآنی شد که مترجمان در ترجمه‌های خود به رویکردهای صوری_ زیبایی‌شناختی قرآن بیشتر توجه داشته باشند. به اعتقاد شیمل هرکسی که می‌خواهد با روح و سبک قرآن آشنا شود باید ترجمه روکرت را بخواند (شیمل ۱۰۴).

یکی از شناخته‌ترین ترجمه‌های قرآنی قرن بیستم ترجمه اسلام‌شناس و زبان‌شناس بنام آلمانی رودی پارت^۱ (۱۹۶۶) است که بارها تجدید چاپ شده است. رودی پارت از جمله محققانی است که زندگی خود را وقف تحقیق و پژوهش درباره قرآن نموده و برای ترجمه قرآن حدود سی سال زمان صرف کرده است. ترجمه رودی پارت از قرآن نمونه بارز ترجمه "برداشت آزاد و پردازش"^۲ است.^۳ بسیاری از مترجمان آیات الهی معتقدند؛ مترجم برای انتقال پیام باید از واژه‌ها و عبارات توضیحی (افزوده‌های توضیحی/ترجمه تفسیری) بهره گیرد. پارت در مقدمه ترجمه خود عنوان کرده است که در انتخاب واژگان کاملاً آزاد عمل کرده و سعی نموده تا جایی که به انتقال پیام و مفهوم آیه‌ها خدشه‌ای وارد نشود ترجمه آیات قرآن را به زبانی ساده و روان بیان کند.

در قرن حاضر با افزایش مهاجرت مسلمانان به کشورهای اروپایی و برای آشنایی هر چه بیشتر مسلمانان و غیرمسلمانان با مفهوم پیام الهی و گسترش مفاهیم قرآنی و زدودن ابهامات و ترویج درک بهتری از اسلام در جهان، بسیاری از شرق‌شناسان و دین‌پژوهان بنام آلمانی اقدام به ترجمه قرآن کریم کرده‌اند از جمله عادل تئودورخوری^۴ (۱۹۳۰) الهی‌دان و اسلام‌شناس لبنانی، مورا و ویلفرید هوفمن^۵ (۲۰۲۰-۱۹۳۱) حقوقدان و دیپلمات آلمانی که در سال ۱۹۸۰ به اسلام گروید و هارتموت بوبتسین^۶ (۱۹۴۶) که ترجمه‌های کامل‌تری عرضه کرده‌اند و بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند. احمد فن دنفر^۷ (۱۹۴۹) اولین آلمانی مسلمان است که ترجمه خود را با توضیحات مختصر از

1. Rudi Paret

2. Freie Bearbeitung

۳. آلمانی‌های به مرور زمان بویژه طی قرون ۱۱ تا ۱۴ میلادی بیشتر به جای برگردان لفظ به لفظ به جنبه "برداشت آزاد و پردازش" موضوعات پرداختند. در این روش مترجم برحسب نیاز شرح و توضیحاتی به متن می‌افزاید. (حقانی ۲۹)

4. Adel Theodor Khoury

5. Murad Wilhelm Hofmann

6. Hartmut Bobzin

مفسران بنام قرآنی از جمله جلالیان و طبری در سال ۱۹۹۶ منتشر کرد.

۳. بحث و بررسی درباره ترجمه

اولین پرسشی که در بررسی فرآیند ترجمه مطرح می‌شود، هدف از ترجمه است. ترجمه به‌عنوان فرآیندی هدفمند در برقراری ارتباط و تعامل بین جوامع مختلف زبانی نقش بسزایی ایفا می‌کند و مهمترین ابزار در انتقال وانطباق مفاهیم زبانی است. قدمت ترجمه به قدمت اختراع خط و زبان نوشتاری است. پس از اختراع خط و زبان نوشتاری در میان قبایل عهد قدیم ترجمه نیز جای خود را باز نموده و به عنوان یک وسیله مطمئن ارتباطی بکار برده شده است (میرعمادی ۱). اصولاً از ترجمه به مثابه برگردان یا انتقال نوشته از یک زبان - زبان مبدأ - به زبان دیگر - زبان مقصد نام برده می‌شود، اما از دیدگاه تخصصی‌تر تعاریف گوناگونی از ترجمه ارائه شده است.

سیسرو^۱، سخنور نامی رومی و مترجم آثار یونانی (۱۰۶-۴۳ قبل از مسیحیت) ترجمه را برگردان محتوای متن زبان مبدأ به زبان مقصد می‌داند. او مترجم را از ترجمه واژه به واژه یا به عبارتی لفظ به لفظ برحذر می‌دارد (اشتولسه ۱۹). فریدریش شلایرماخر^۲ (۱۷۶۸-۱۸۳۴)، الهی‌دان و فیلسوف معاصر دوران گوته به دو اصل کلی "صداقت و آزادی"^۳ مترجمان در امر ترجمه تأکید می‌کند (حقانی ۱۶۷).

رولان بارت^۴ (۱۹۱۵-۱۹۸۰) از صاحب‌نظران فن ترجمه در مقاله خود تحت عنوان "مرگ مؤلف ۱۹۶۸" معتقد است، ترجمه بایستی بر اساس فهم مترجم از متن و نوع خوانش او از متن صورت گیرد، زیرا انتقال محض الفاظ و واژه‌های زبان مبدأ باعث از بین رفتن معنا و بار معنایی و انتقال حس می‌شود که این امر بیشتر برای ترجمه متون ادبی و مذهبی مصداق دارد.

پیتر نیومارک^۵ (۲۰۱۱-۱۹۱۶) از بنیانگذاران معاصر مطالعات ترجمه و معتقد به تعادل ارتباطی - معنایی^۶، ترجمه را عملی ارتباطی می‌داند که طی آن سعی می‌شود

1. Cicero
2. Friedrich Schleiermacher
3. Treue und Freiheit
4. Roland Barthes
5. Peter Newmark

۶. در ترجمه ارتباطی، مترجم متن را با متداول‌ترین کلمات و ساختار دستوری در قالب زبان مقصد بازنویسی می‌کند، زیرا برقراری ارتباط با خواننده هدف اصلی مترجم است. در این روش روانی متن برحفظ صورت

یک پیام نوشتاری در زبانی با همان پیام در زبان دیگر جایگزین کرد، نیومارک با تأکید به اینکه هرچه ویژگی فرهنگی متنی بیشتر باشد، تأثیر معادل ضعیف‌تر است، ترجمه را تلاشی در جهت انتقال مکتوب یک پیام و جانشین ساختن آن با عبارات و جملات به زبان مقصد می‌داند به نحوی که برابری حاصل آید (میرعمادی ۱۳۵).

صرفنظر از اینکه برخی از متخصصان فن ترجمه بر روشی خاص صحه می‌گذارند اما دیدگاه برخی از آن‌ها از جمله دیدگاه ترجمه‌شناسی آنتوان برمن (۱۹۹۱-۱۹۴۲)^۱، از مترجمان و ترجمه‌شناسان بزرگ فرانسه، دیدگاه اخلاقی است. به اعتقاد برمن "ترجمه ایجاد ارتباط است یا هیچ نیست". بهترین ترجمه از نظر او ترجمه‌ای است وفادار به صورت و به لفظ متن (احمدی ۱۴).

آلبرت ناید^۲ (۲۰۱۱-۱۹۱۴) از نظریه‌پردازان معاصرترجمه کتاب مقدس، متأثر از نظریه ترجمه ارتباطی و معتقد به تعادل صوری-پویا^۳، ترجمه را بیان دوباره پیامی از زبان مبدأ در قالب نزدیک‌ترین و طبیعی‌ترین معادل آن به زبان مقصد با رعایت معنا در مرحله نخست و رعایت سبک نوشتاری در مرحله دوم می‌داند (شمس‌آبادی ۹).

یکی از مسائل مهم در فرآیند ترجمه ایجاد تعادل و برابری در ترجمه است. ورنرکولر^۴ (۱۹۴۲) زبان‌شناس سوئیسی و از نظریه‌پردازان معتقد به برقراری تعادل در امر ترجمه است. وی در کتاب خود "Einführung in die Übersetzungswissenschaft" (۲۰۱۰)^۵ معتقد است، یافتن تعادل در ترجمه با توجه به ساختار و کاربرد کلمات و نوع متن صورت می‌پذیرد و نباید برای کل متن یک تعادل واحد در نظر گرفت و مترجم باید با توجه به نوع متن و خوانش او از متن، نوع تعادل را مشخص نماید. کولر در امر ترجمه قائل به پنج نوع تعادل متنی است: ۱- تعادل در سطح محتوایی متن^۶ ۲- تعادل در سطح معنایی

و قالب متن اصلی ارجح است.

1. Antoine Berman

2. Eueene Albert Nida

۳. ترجمه پویا در خدمت انتقال پیام متن است. در این ترجمه مترجم با زبانی روان و طبیعی از به کارگیری واژه‌های نامأنوس با فرهنگ زبان مقصد دوری می‌کند، بنابراین ترجمه همان واکنشی را در خواننده به وجود می‌آورد که متن اصلی در مخاطب خود ایجاد کرده است (خزاعی فر ۱۱).

4. Werner Koler

5. Denotatove Äquaivalenz

متن ۳^۱- تعادل در سطح نوع متن ۴^۲- تعادل پراگماتیک ۵^۳- تعادل صوری-زیباشناختی^۴، کولر برای تجزیه و تحلیل متن ترجمه شده نیز قائل به سه مدل است: ۱- تحلیل متن^۵ که با توجه به جنبه‌های زبانی از جمله کاربرد و ویژگی‌های زبانی به لحاظ ساختاری، فرم، محتوا و عملکرد زبانی صورت می‌پذیرد که به اعتقاد وی مشکلات ترجمه در این مرحله مشخص می‌شوند، زیرا به هنگام تحلیل متن، توجه به جایگزین کردن معادل هم‌ارز برای عناصر تغییرناپذیر ضروری است. ۲- مقایسه ترجمه^۶ بر اساس شیوه مترجم، ۳- ارزیابی ترجمه^۷ به لحاظ کیفیت ترجمه در انتخاب واژگان برای انتقال بار معنایی و حس زیباشناختی (همان).

با توجه به نظریه‌ها و تئوری‌های متفاوت در امر ترجمه، می‌توان توجه به نوع متن و هدف از ترجمه را وجه مشترک این نظریه‌ها قلمداد کرد.

۴- ترجمه متون مذهبی

اگر متون ترجمه را به حوزه‌های علمی، فلسفی، ادبیاتی و مذهبی تقسیم کنیم، ترجمه متون مذهبی به خاطر اینکه انتقال دهنده وحی و کلام الهی است، همواره از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بوده، بطوریکه عالمان دین یهود در آغاز با ترجمه تورات مخالف بوده و آن را گونه‌ای کفرورزی تلقی می‌کردند، زیرا معتقد بودند کلام خدا نباید در قالب کلمات زمینی بیان شود و این امر به قداست آن خدشه وارد می‌کند (زیار ۷۴)، در حالی که مسلمانان از ابتدای امر در زمان خود پیامبر به ترجمه قرآن اهتمام ورزیده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به درخواست مسلمانان فارسی‌زبان یمن از سلمان فارسی برای ترجمه سوره حمد، قرائت آیاتی از سوره مریم برای حاضران در مجلس نجاشی و ترجمه نامه‌های پیامبر اسلام برای نجاشی پادشاه حبشه، "موقوفس" پادشاه مصر، خسرو پرویز پادشاه ایران و امپراطور روم که حاوی آیات قرآن بود توسط مسلمانان حامل نامه یا مترجمان دربار اشاره کرد (رضایی اصفهانی ۱۳۵).

همان‌طور که اشاره شد در گذشته بخاطر حرمتی که برای متون مذهبی قائل بودند

1. Konnotative Äquaivalenz
2. Textnormative Äquaivalenz
3. Pragmatische Äquaivalenz
4. Formal-ästhetische Äquaivalenz
5. Textkritik
6. Übersetzungsvergleich
7. Übersetzungsbewertung

و از سوی دیگر بخاطر تفسیرپذیری بودن کتب مقدس و اعتقاد به ترجمه ناپذیری بودن رمز و راز نهفته در آن‌ها، برای دوری از هرگونه دخل و تصرفی در محتوای متن و یا تغییری در ساختار زبانی متن، متون مذهبی از جمله انجیل و قرآن به صورت کلمه به کلمه و بین سطر^۱ ترجمه می‌شد. از سال ۱۹۶۰ نایدا سرپرست ترجمه متون مذهبی-انجیل در امریکا تحولی جدید در امر ترجمه انجیل به وجود آورد. از این دهه به بعد توجه صرف به ساختار جملات زبان مبدأ و زبان مقصد دیگر شرط لازم و کافی برای ترجمه محسوب نمی‌شد. نایدا در امر ترجمه متون مذهبی به "هم‌ارز" بودن ترجمه معتقد است نه به "یکسان بودن" ترجمه که همان تعادل یک‌به‌یک بین واحدهای ترجمه است (حقانی ۷۱). بر اساس این نگرش جدید مترجمان کتاب مقدس نباید انتقال پیام الهی را امری ناممکن تلقی کنند، بلکه مترجم باید شبکه‌های پنهان زبانی و فرهنگی اثر را دریابد و با غلبه بر تفاوت‌های فرهنگی و قومی و به کمک کاربرد زبان و تأثیر آن در بین اقوام مختلف به هدف خود نایل آید که این امر خود مستلزم شناخت و آگاهی کامل مترجم از ساختار فرهنگی و اجتماعی زبان مقصد می‌باشد.

به اعتقاد بوبتسین یکی از چالش‌های اساسی ترجمه قرآن، ترجمه اصطلاحات مذهبی برای خوانندگانی است که متأثر از اسلام و مفاهیم قرآنی نیستند، زیرا نداشتن دانش زبانی و کم آگاهی از معارف قرآنی، منجر به تفسیر نادرست می‌شود. تفسیر نادرست بی‌شک بر روی ترجمه تأثیر گذاشته و آنچه در نهایت به وجود می‌آید انتقال دهنده مقاصد الهی و مفاهیم عمیق موجود در کتاب نمی‌باشد (رضایی اصفهانی و شفر ۲). مترجم قرآنی برای ارائه درک درست از متن اصلی علاوه بر دانش ترجمه، باید علم صرف و نحو، بلاغت، تفسیر و فقه اللغه را داشته باشد.

در حوزه ترجمه‌شناسی همواره سه‌گونه ترجمه مورد توجه مترجمان و صاحب‌نظران امر ترجمه بوده است که می‌توان به عنوان اصلی‌ترین روش‌های ترجمه بخصوص ترجمه متون مذهبی در نظر گرفته شوند. آیت اله مکارم شیرازی درباره انواع ترجمه چنین آورده است: "ترجمه به یکی از سه صورت ممکن است انجام گیرد: نوع اول: ترجمه "کلمه به کلمه" یا به اصطلاح "تحت‌اللفظی"^۲ است که هر واژه‌ای از زبان اول را بر می‌دارند و

1. wortwörtlich

۲. این نوع ترجمه که اصطلاحاً "به‌عنوان ترجمه لفظ به لفظ" و ازگان نیز نامیده می‌شود، بیشتر به منظور حفظ کلام الهی به‌عنوان تنها روش ترجمه کتب دینی و کلام الهی لحاظ می‌شد. با ترجمه مارتین لوتر از انجیل در سال ۱۵۲۲ اصلاحات دینی هم در آلمان و اروپا آغاز شد و حاصل آن ظهور مذهب پروتستان در بخش‌های

واژه معادل آن را در زبان دوم به جای آن می‌گذارند، و این بدترین نوع ترجمه است که نه تنها زیبا نیست، بلکه بسیار نارسا و احياناً غلط است. نه تنها امانت نیست، بلکه گاه ناآگاهانه خیانت است. نوع دوم: ترجمه "آزاد" است که در این صورت، مترجم خود را مقید به انتقال دقیق محتوای متن مورد نظر نمی‌داند، بلکه به تناسب اهدافی که دارد، محتوا را کم یا زیاد کرده و یا شرح و توضیحی بر آن می‌افزاید، هر چند روح متن مورد نظر در مجموع ترجمه محفوظ است، ولی بدیهی است که نمی‌توان نام ترجمه را بر آن نهاد. نوع سوم: ترجمه "محتوا به محتوا" به طور دقیق است و همان طور که اشاره شد، در این نوع ترجمه باید نخست معانی دقیقاً از لباس زبان اول برهنه شود و در مغز جای گیرد، سپس به طور دقیق به لباس دوم آراسته گردد، و آنچه شایسته ترجمه‌های قرآن و مانند آن است، همین نوع می‌باشد (جوهری ۴۳، ۴۲).

در ادامه این جستار مقابله ترجمه بوبتسین از سوره قدر با ترجمه موزون روکرت و ترجمه تفسیری رودی پارت به لحاظ خواننده-محور بودن^۱ با تمرکز بر برقراری تعادل معنایی در سطح محتوایی متن و سطح صوری و زیباشناختی (ساختار صرفی-نحوی و بلاغی زبان عربی) مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۵- ترجمه قرآنی هارتموت بوبتسین

پروفسور هارتموت بوبتسین استاد فیلولوژی، مطالعات اسلامی و زبان‌شناسی سامی در دانشگاه ارلانگن در سال ۱۹۴۶ در شهر برمن آلمان متولد شد. از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۳ در دانشگاه ماربورگ در رشته الهیات پروتستان، مطالعات دینی، مطالعات سامی و هندشناسی تحصیل کرد، سپس مدتی در دمشق اقامت گزید و در آنجا زبان عربی آموخت. در سال ۱۹۸۶ رساله دکتری خود را در رشته فلسفه سامی و مطالعات اسلامی با عنوان "قرآن در عصر اصلاح" به پایان رساند و در سال ۱۹۹۲ به درجه استادی در رشته معارف اسلامی رسید.

شمالی اروپا، کاهش اقتدار و نفوذ پاپ و وقوع جنگ‌های درازمدت بود. ترجمه لوتر از انجیل روش متداول و رایج متون مذهبی آن زمان که براساس ترجمه واژه به واژه و بین سطری و ترجمه‌ای نارسا بود را کاملاً کم‌رنگ کرد. لوتر مفاهیم و معانی انجیل را در قالب کلمات و ترکیبات مأنوس و آسان فهم برای مخاطب بیان کرد و به عبارتی کتاب انجیل را برای درک مردم عادی آلمانی زبان بومی‌سازی کرد.

۱. ترجمه خواننده-محورگونه‌ای از ترجمه آزاد است و هدف انتقال پیام متن اصلی به خواننده است. مترجم تلاش می‌کند معنای متن زبان مبدأ را در شکل و قالب زبان مقصد متجلی سازد. متن ترجمه شده به لحاظ ساختار و محتوایی به زبان خواننده مأنوس‌تر است (حقانی).

بوتسین در زمینه ترجمه‌های موفق و ناموفق قرآنی، معرفی تأثیرگذارترین ترجمه‌های قرآنی قرن و همچنین تاریخ استقبال از اسلام در اروپا مطالعات و تحقیقات بسیاری کرده و کتاب، مقاله و سخنرانی‌های بیشماری در شناساندن ماهیت واقعی کتاب قرآن و شریعت پیامبر اسلام و رفع نگاه‌های خصمانه و مغرضانه به اسلام حقیقی از او ثبت و ضبط شده است؛ از جمله "قرآن در عصر اصلاحات، مطالعات در مورد تاریخ اولیه عرب‌شناسی و اسلام‌شناسی در اروپا" (۱۹۹۵)، "محمد" (۲۰۰۰)، ده سال پژوهش و تحقیق بر روی یک ترجمه کاملاً جدید از قرآن و تاریخچه مباحث الهیاتی قرآن در غرب (از سال ۲۰۰۰ تا اوایل سال ۲۰۱۰)، انتشارکتابی با عنوان "قرآن کتاب خواندنی" به همراه ترجمه و تفسیر زیباترین متون قرآنی در سال ۲۰۰۵ و همچنین انتشار "ترجمه جدید از قرآن" در ۶۰۰ صفحه به همراه یک جلد تفسیر (مارس ۲۰۱۰).

ترجمه کنونی بوتسین از قرآن که حاصل سال‌ها تجربه و پژوهش این اسلام‌پژوه آلمانی زبان است، شامل مؤخر مترجم، شرح اسامی و مفاهیم عربی، فهرست نام سوره‌ها، نمایه موضوعی، شرح مفصل زبانی، لغوی و تفسیری است. او در کار خود با اشراف بر تمامی سبک‌ها و الگوها و نمونه‌های موفق و ناموفق از ترجمه آلمانی قرآن و با تمرکز بر روش شاعرانه و ادبی فریدریش روکرت و روش دقیق و واژه‌شناسانه رودی پارت، برای ترجمه خود زبانی برگزید که از زیبایی ادبی و همچنین از دقت زبانی و فقه اللغوی برخوردار باشد (کریمی‌نیا ۱۱۸).

بوتسین در مقدمه ترجمه خود به این نکته اشاره می‌کند؛ هر چند ترجمه روکرت او را به باز ترجمه قرآن ترغیب کرده است، اما هرگز ترجمه خود را معطوف به ترجمه روکرت نکرده بلکه از سال ۱۹۹۵ برای ترجمه کاملاً جدید از صفر آغاز کرده است، بنابراین می‌توان گفت ترجمه بوتسین نه یک ترجمه تفسیری است همانند ترجمه رودی پارت و نه همانند ترجمه روکرت، موزون، بلکه ترجمه کاملی است با سبک و سیاق خاص خود، که ضمن وفاداری به متن اصلی و تلاش در درک درست، جنبه نحوی و صرفی و همچنین زیباشناختی زبان قرآن بخوبی در آن رعایت شده است.

بوتسین در سخنرانی خود با عنوان "نحوه ترجمه کردن قرآن و چالش‌های خاص ترجمه" (۲۰۰۷) ضمن بر شمردن ویژگی‌ها و اعجاز قرآن به هدف‌اش از ترجمه قرآن

1. Der Koran im Zeitalter der Reformation. Studien zur Frühgeschichte der Arabistik u. Islamkunde in Europa.
2. Koran- Lesebuch

که جذب هرچه بیشتر خواننده آلمانی زبان برای قرائت قرآن است، اشاره می‌کند و معتقد است این امر فقط با آسان کردن "قرائت و تلاوت قرآن" میسر می‌باشد، به همین خاطر به منظور تسهیل در قرائت و درک مفاهیم قرآنی و بازتاب اعجاز موسیقایی کلامی الهی سعی کرده با ایجاد و تخریب ضرب‌آهنگ‌های متن، تنقیح و نشانه‌گذاری مناسب حتی‌الامکان همان تأثیری را به خواننده آلمانی زبان منتقل نماید که خواننده قرآن به زبان عربی به هنگام قرائت قرآن می‌یابد. علاوه بر این بوبتسین در ترجمه خود سعی کرده زبانی "شایسته" یا به عبارتی زبانی فاخر برای ترجمه‌اش بیابد که ورای زبان روزمره باشد، زیرا به اعتقاد او سبک قرآنی زیننده زبانی فاخر است و زبان عربی قرآن ورای زبان محاوره عربی و روزمره بشری است.

استفان وایندر^۱ (۱۹۶۷) اسلام‌شناس، مترجم آلمانی و نویسنده کتاب "الله یعنی خدا، سفری در اسلام (۲۰۰۶)" ترجمه قرآنی بوبتسین را در حال حاضر به لحاظ شکل زبانی مناسب و دقت زبان‌شناختی^۲ در زمره بهترین ترجمه‌ها می‌داند (Frankfurter Rundschau). 2010.

بررسی معادل کاربردی و معادل صوری ترجمه سوره "قدر"

از آنجائیکه نقد و بررسی ترجمه کل قرآن در چهارچوب این مقاله میسر نمی‌باشد، از این رو ترجمه آیات سوره مبارکه "قدر" از منظر معادل کاربردی (مخاطب‌محور) و معادل صوری در مقابله با ترجمه روکرت و رودی پارت بررسی می‌شود. در ویکی‌پدیا و در سایت سؤالات مذهبی www.religionen-entdecken.de درخصوص زمان ظهور و علت نامیده شدن این سوره به این نام و منزلت شب قدر نزد مسلمانان توضیح کامل داده شده است.

1. Stefan Weidner
2. philologische Genauigkeit

ترجمه نام سوره قدر

القدر RDAQ-LA		
روکرت	پارت	بوتسین
Die Nacht der Macht	نام سوره به آلمانی ترجمه نشده و بنام عربی AL-Qadr استناد شده است.	Die Bestimmung – al-qadr

کلمه قدر در لغت‌نامه دهخدا به معنای فرمان، حکم، تقدیر، اندازه کرده خدای تعالی بر بندگان از حکم، سرنوشت و در لغت‌نامه عمید طاقت و قوه و توانایی نیز معنی شده است. بوتسین نام سوره را به عربی و با حرف تعریف آن "ال" ذکر کرده و برای برگردان آن کلمه "Bestimmung" آورده که معادل کاربردی آن به آلمانی تعیین، تقدیر، حکم، سرنوشت، قدر، قسمت است، اما در برگردان روکرت در ترجمه نام سوره لغزشی روی داده است، روکرت نام سوره را "Die Nacht der Macht" به معنی "شب قدرت" ترجمه کرده و کلمه شب (die Nacht) به نام سوره افزوده شده است، علاوه بر این معنای کلمه "die Macht" اختیار، توان و قدرت را برای نام سوره برگزیده است. با علم به اینکه روکرت مترجم مقامات حریری از عربی به آلمانی بوده و به این زبان تسلط داشته، بی‌شک با توجه به پیام کلی سوره که اشاره به نازل شدن قرآن و مقدر شدن سرنوشت به اذن الهی در این شب و حاکی از قدرت لایزال الهی است برای برگردان نام سوره "Die Nacht der Macht" را برگزیده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَرْمشاهی: به نام خداوند رحمتگر مهربان مکارم شیرازی: به نام خداوند بخشنده بخشایشگر		
روکرت	پارت	بوتسین
Im Namen Gottes des allbarmherzigen Erbarmers	Im Namen des barmherzigen und gnädigen Gottes	Im Namen Gottes, des barmherzigen Erbarmers

«بِسْمِ» جار و مجرور و «اللَّهُ» مضاف‌الیه برای اسم است و «رحمن و رحیم» دو صفت برای ذات اقدس الهی. این ترکیب در ترجمه رودی پارت لحاظ شده، با این تفاوت که برای برگردان صفت «رحیم» معادل (gnädig به معنای بخشنده برگزیده شده است. در ترجمه روکرت و بوبتسین صفت رحیم به صورت اسم ترجمه شده) Erbarmer و ترجمه صفت مبالغه «رحمن» بخوبی در ترجمه روکرت لحاظ شده است (allbarm-herzig).

آیه نخست

<p>إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ خرمشاهی: ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کرده‌ایم مکارم شیرازی: ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم.</p>		
روکرت	پارت	بوبتسین
Wir sandten ihn hernieder in der Nacht der Macht.	Wir haben ihn (d. h. den Koran) in der Nacht der Bestimmung hinabgesandt.	Siehe, wir sandten ihn hernieder in der Nacht der Bestimmung.

در ترجمه روکرت و پارت ترجمه «ان» که از ادوات تأکیدی است، حذف شده است، در حالی که بوبتسین با افزودن فعل امر «Siehe»، معادل مناسبی برای برگردان این کلمه تأکیدی برگزیده (ان + ضمیر نا) و توجه خواننده را به این نکته معطوف می‌کند که قرآن کلام الهی است و از سوی خداوند نازل شده است. ساختار نحوی کلمه «انزَلْنَاهُ» ترکیب فعل ماضی، فاعل و مفعول متعدی است. در ترجمه بوبتسین و روکرت مشخصاً به کلمه قرآن اشاره نشده و به ضمیر مفعولی بسنده شده است، در حالی که پارت علاوه بر ضمیر مفعولی مشخصاً نام قرآن را هم ذکر می‌کند؛ او همچنین جمله را به زمان ماضی نقلی ترجمه کرده است. بوبتسین با نشانه‌گذاری و قرار دادن ترجمه کلمه «لَيْلَةِ الْقَدْرِ» در گیومه که یکی از کاربردهای آن در زبان آلمانی برای ذکر نام اثری است، دقت خواننده را به این مهم که شب قدر، شبی خاص است، جلب می‌کند.

در ترجمه روکرت و پارت ترجمه "اِنَّ" که از ادوات تأکیدی است، حذف شده است، در حالی که بوبتسین با افزودن فعل امر "siehe"، معادل مناسبی برای برگردان این کلمه تأکیدی برگزیده (اِنَّ + ضمیر نا) و توجه خواننده را به این نکته معطوف می‌کند که قرآن کلام الهی است و از سوی خداوند نازل شده است. ساختار نحوی کلمه "انزِلْنَاهُ" ترکیب فعل ماضی، فاعل و مفعول متعدی است. در ترجمه بوبتسین و روکرت مشخصاً به کلمه قرآن اشاره نشده و به ضمیر مفعولی بسنده شده است، در حالی که پارت علاوه بر ضمیر مفعولی مشخصاً نام قرآن را هم ذکر می‌کند؛ او همچنین جمله را به زمان ماضی نقلی ترجمه کرده است. بوبتسین با نشانه‌گذاری و قرار دادن ترجمه کلمه "لَيْلَةُ الْقَدْرِ" در گیومه که یکی از کاربردهای آن در زبان آلمانی برای ذکر نام اثری است، دقت خواننده را به این مهم که شب قدر، شبی خاص است، جلب می‌کند.

آیه دوم

<p>وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَرْمشاهی :</p> <p>و تو چه دانی شب قدر چیست؟</p> <p>مکارم شیرازی: و تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟! </p>		
روکرت	پارت	بوبتسین
Weißt du, was ist die Nacht der Macht?	Aber wie kannst du wissen, was die Nacht der Bestimmung ist?	Und was lässt dich wissen, was die `Nacht der Bestimmung` ist?

همان‌طور که در ترجمه نام سوره اشاره شد، روکرت در ترجمه این آیه کلمه «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» شب قدر را «شب قدرت» ترجمه کرده، او همچنین برای ترجمه جمله «وَمَا أَدْرَاكَ» که بیانگر فقدان درک و فهم انسان از عظمت این شب است، معادل مناسبی برگزیده است و سوره را کاملاً آزاد ترجمه کرده است. در حالی که بوبتسین با استفاده از فعل "lassen" به این

امر مهم تأکید می‌کند که عقل انسان قادر به درک عظمت شب قدر نیست و باید به این مهم واقف گردد. در برگردان پارت و بوبتسین، بخش دوم ترجمه صرفنظر از نشانه‌گذاری بوبتسین برای خاص کردن کلمه شب قدر کاملاً یکسان است، فقط در بخش اول آیه علاوه بر برگردان کلمه "و" که در زبان عربی "واو" استیناف و روشن‌کننده پاسخ سؤال مقدری است، در ترجمه روکرت کاملاً حذف شده و پارت برای معادل معنای آن (Aber) (اما) و برای برگردان کلمه استفهامی "ما" « که معادل آلمانی (was) به معنی (چه) است، معادل (wie) به معنی (چگونه) برگزیده است. ساختار جمله پرسشی بوبتسین در مقایسه با ساختار جمله پرسشی روکرت و پارت به لحاظ کاربردی تأثیرگذارتر و به لحاظ آوایی خوش‌آهنگ‌تر است.

آیه سوم

<p>لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ خرمشاهی: شب قدر بهتر از هزار ماه [عادی] است مکارم شیرازی: شب قدر بهتر از هزار ماه</p>		
پارت	پارت	بوبتسین
Die Nacht der Macht ist mehr als was In tausend Monaten wird vollbracht	Die Nacht der Bestimmung ist besser als tausend Monate.	Die `Nacht der Bestimmung` ist besser als tausend Monate.

ترجمه روکرت به لحاظ آهنگین بودن ساختاری متفاوت با ترجمه رودی پارت و بوبتسین دارد. اما نکته قابل توجه ترجمه روکرت برگردان کلمه «شهر» به معنای (ماه Monat) است که معادل معنایی (Monade) لحاظ شده است. روکرت در ترجمه از فعل

۱. مناد یا جوهر وجود بحث مطرح شده در فلسفه برهان وجودی فیلسوف آلمانی لایب نیتس است که خودند را مناد منادها می‌داند (لا مؤثر فی الوجود الا الله). لایب نیتس این جوهر منفرد مطلق را خداوند قادر و متعال می‌نامد که به حکم ضرورت اخلاقی قادر است بهترین جهان ممکن را بیافریند. ممکن است روکرت با علم به این فلسفه برای انتقال هرچه بهتر پیام متن اصلی برای برگردان واژه "شهر" مناد را برگزیده است. اما از آنجائیکه نگارنده این مقاله به نسخه خطی ترجمه روکرت دسترسی نداشته، این امکان هم وجود دارد که

"vollbringen" استفاده کرده که به مفهوم محقق شدن امری غیرعادی و خاص است. ترجمه بوبتسین و پارت کاملاً مشابه ساختار متن اصلی است، با این تفاوت که بوبتسین برای خاص کردن شب قدر و معطوف کردن توجه خواننده به اهمیت این شب، ترجمه شب قدر را در علامت گیومه ذکر کرده است و همان طور که اشاره شد یکی از مؤلفه‌های ترجمه بوبتسین نشانه‌گذاری است.

آیه چهارم

<p>تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ خرمشاهی: در آن [شب] فرشتگان و جبرئیل به اذن پروردگارشان برای انجام هر کار فرود آیند مکارم شیرازی: فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کار نازل می‌شوند.</p>		
پارت	پارت	بوبتسین
Die Engel steigen nieder und der Geist in ihr, Auf ihres Herrn Geheiß, daß alles sei bedacht.	Die Engel und der Geist kommen in ihr mit der Erlaubnis ihres Herrn hinab, lauter Logos(wesen).	Es steigen in ihr nieder die Engel und der Geist – mit der Erlaubnis ihres Herrn zu jeglichem Geheiß.

در ساختار ترجمه روکرت و بوبتسین اعجاز موسیقیایی کلام الهی و بلاغت قرآن مشاهده می‌شود. در برگردان روکرت و بوبتسین تلاش شده آهنگ، وزن و موزونی آیات قرآنی برای خواننده به تصویر کشیده شود، با این تفاوت که ترجمه روکرت کاملاً آزاد و خواننده-محور است، درحالی که در ترجمه بوبتسین با ایجاد ضرب‌آهنگ مناسب و گذاشتن نشانه خط تیره که معمولاً برای قطع مطلب و بیان جمله معترضه بکار برده در نگارش حرف "t" با "d" بخاطر مخرج مشترک سهواً اشتباهی رخ داده و برای برگردان واژه "شهر" (ماه) "Monat" ثبت شده است.

می‌شود، آهنگین بودن ساختار جمله بیشتر محسوس می‌باشد. هر دو مترجم فعل مضارع «نَزَّلَ» را (niedersteigen) ترجمه کرده‌اند اما پارت فعل (hinabkommen) به معنای (به پایین آمدن) برگزیده که به لحاظ بار معنایی معادل مناسبی برای فعل «نَزَّلَ» نیست. بوبتسین برای برگردان «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» ترکیب (zu jeglichem Geheiß) برگزیده که دقیقاً معادل کاربردی آن (انجام دادن هر امر و یا دستوری) است، این در حالی است که پارت معادل (lauter Logos) به مفهوم (Gott, göttliche Vernunft) خدا و یا خردالهی برگزیده است. نکته قابل توجه ترجمه روکرت استفاده از فعل «sei/ Konjunktiv I» است که کاربرد آن بیان نقل قول غیرمستقیم است.

آیه پنجم

<p>سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ خرمشاهی: [این شب] تا دمیدن سپیده‌دم آکنده از سلامت [و امن و امان] است مکارم شیرازی: شبی است مملو از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع صبح!</p>		
روکرت	پارت	بوبتسین
Heil ist sie ganz und Friede, bis der Tag erwacht.	Sie ist (voller) Heil (und Segen), bis die Morgenröte sichtbar wird (w. aufgeht).	Friede ist sie, bis zum Anbruch der Morgendämmerung.

معادل کاربردی و صوری کلمات «سَلَامٌ هِيَ» به زمان آلمانی (Friede ist sie) است که این معادل در ترجمه بوبتسین بخوبی لحاظ شده است. اما تفاوت ترجمه مترجمان در برگردان قسمت دوم آیه «حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ» است. در قرآن صراحتاً به فجر که طلوع صبح و سپیده‌دم است، اشاره شده است. روکرت برای ترکیب مضاف و مضاف‌الیه «مَطَلَعِ الْفَجْرِ» معادل‌های مناسب برگزیده است و به صورت (der Tag erwacht) یعنی (روز آغاز می‌شود)، برگردانده که اندکی تحت‌اللفظی به نظر می‌رسد. کلمه «مَطَلَعِ» در عربی اسم است و در لغت‌نامه دهخدا جای برآمدن آفتاب، محل طلوع و طلوع خورشید معنی شده و حرف «ال» در عربی حرف تعریف است که با اسم «فَجْرٍ» ترکیب مضاف‌الیه ساخته است

(الفجر مضاف الیه): این ساختار بخوبی در ترجمه بوبتسین لحاظ شده (dem Anbruch der Morgendämmerung) که دقیقاً معادل کلمه فجر است، در حالی که رودی پارت آن را به صورت جمله خبری ترجمه کرده است (die Morgenröte wird sichtbar) و کلمه (Morgenröte) به سرخی آسمان هنگام طلوع آفتاب اشاره می‌کند.

نکته دیگر در ترجمه این آیه برگردان حرف «حَتَّى» است که در زبان عربی قبل از اسم می‌آید. «حَتَّى» در زبان عربی حرفی از حروف معانی است و به معنای انتهای غایت، تقلیل و استثنا است و به چهار صورت حرف جر، حرف عطف و حرف ابتدا و حرف نصب استفاده می‌شود (پاشا زانوس ۱۳۸۴). در ترجمه روکرت و رودی پارت برای برگردان حرف «حَتَّى»، حرف اضافه (bis) انتخاب شده است که در زبان آلمانی معمولاً بعنوان قید قبل از حرف اضافه قرار می‌گیرد، در حالی که بوبتسین از ترکیب (bis zu) استفاده کرده (دلالت بر انتهای غایت)، که معادل کاربردی مناسب برای برگردان حرف «حَتَّى» است.

نتیجه‌گیری

در قرن حاضر از سوی اسلام‌شناسان و دین‌پژوهان آلمانی ترجمه‌های موفق‌تری از قرآن در مقایسه با ترجمه‌های سده‌های قبل منتشر شده است. این ترجمه‌ها نه تنها حاکی از شناخت عمیق آنان به ماهیت حقیقی اسلام و قرآن کریم است، بلکه بیانگر کاربردی شدن ترجمه قرآنی است. در بررسی ترجمه‌های قرآنی پنجاه سال اخیر به نظر می‌رسد ملاک ترجمه‌ها، خواننده‌محور بودن آن است. هر چند ابعاد معنوی و بلاغی و اعجازی قرآن در قالب ترجمه نمی‌گنجد، اما مترجم سعی کرده ضمن وفاداری به متن اصلی، در برگردان واژگان، معادل‌هایی را برگزیند که به لحاظ حفظ تعادل در سطح محتوایی و معنایی متن و همچنین تعادل صوری - زیباشناختی به زبان مقصد نزدیک‌تر باشند و خواننده آلمانی زبان را پسند آید.

یکی از اهداف بوبتسین برای ترجمه قرآن جلب توجه خواننده آلمانی زبان به قرائت و درک مفاهیم عمیق این کتاب آسمانی است. شاید این دیدگاه و هدف بوبتسین متأثر از دیدگاه مارتین لوتر باشد که معتقد بوده هر مسیحی فرهیخته حق خواندن و درک کتاب مقدس را دارد، البته شاید دیدگاه مارتین لوتر بیشتر جنبه دینی و مذهبی داشته باشد و دیدگاه بوبتسین جنبه علمی و محققانه.

هرچند ترجمه موزون و روان روکرت به لحاظ زیبایی‌شناسی سرآمد ترجمه‌های

پیشین است و خوانندگان آلمانی زبان اولین بار با این نوع ترجمه با روح و سبک اعجازی قرآن آشنا شدند، حال آنکه ترجمه رودی پارت نمونه‌ای از ترجمه آزاد و ترجمه توضیحی-تفسیری است، اما از دستاوردهای این مقاله می‌توان بر اساس الگوهای ترجمه به این امر اشاره کرد که در ترجمه بوبتسین با انتخاب واژگان مناسب و هم‌ارز، شاهد تعادل محتوایی و معنایی در متن و همچنین تعادل صوری-زیبایی‌شناختی در ساختار ترجمه هستیم. رسا بودن طرز بیان، طبیعی بودن ساختار زبان و مفهوم بودن پیام متن که از مؤلفه‌های ترجمه پویا و از نقاط قوت ترجمه بوبتسین است، بخوبی در ترجمه وی لحاظ شده است. براساس مدل ارزیابی ورنرکولر می‌توان ترجمه بوبتسین را به لحاظ کیفیت ترجمه در گزینش واژگان برای انتقال بار معنایی و حس زیبایی‌شناختی، ترجمه‌ای موفق دانست و می‌توان نتیجه گرفت سبک ترجمه او مصداق همان ترجمه "محتوا به محتوا" است که معنای واژگان از لباس زبان اول در آورده و بطور دقیق و شایسته به لباس زبان دوم در می‌آید.

Criticism of Functional Equivalent and Formal Equivalent in Bobzin's Quranic Translation

Fatemeh Khodakarami¹

Abstract

Introduction: With the beginning of the 20th century and the continuation of the scientific and investigative attitude in the field of Islamology in the 18th and 19th centuries, orientalisists and Islamologists started scientific and practical translations of the Qur'an. The translation by Hartmut Bobezin, a German orientalist and religious scholar, is one of the leading translations of the current century, which was translated directly from Arabic into German. In the translation of the holy books, especially the Holy Quran, because the divine word is interpretive and has various layers of meaning, to express the deep meaning of the Quran, in addition to the science of translation, knowledge, and awareness of the wisdom of the Quranic verses, as well as the translator's understanding of the interpretations of the verses, are necessary.

The purpose of this article is to criticize and examine Bobzin's Quranic translation from a text-oriented or audience-oriented point of view, based on the equivalents of the analysis and evaluation of the translated texts by Werner Koller in comparison with the Quranic translation of Rückert (19th century) and Rudi Parte (20th century), asking the question whether Bobzin's translation was a successful translation from a communicative reader-oriented perspective (functional equivalent) in terms of explaining the Qur'anic meaning and spiritual effect, and to what extent the morphological-syntactic and rhetorical structure of the Arabic language (formal equivalent) was transferred to the standard language of the destination.

1. Assistant professor, Department of Germany, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. f.khodakarami@iauctb.ac.ir

The result of this research is to confirm the accuracy of Bobzin's Qur'anic translation.

Background of the Research: Robert von Ketton first translated the Qur'an into Latin. In 1543, Swiss theologian Theodor Bibliander published a more complete translation of the Qur'an based on Ketton's translation in Basel, Switzerland. The first translator of the Qur'an in German is Salmon Schweigerr. The German priest David Friedrich Megerlin is the seventh translator of the Quran and the first translator of the Quran from Arabic to German, he first translated the Quran from Arabic to German in 1772. In the current century, with the increase in Muslim immigration to European countries, figures such as Adel Theodor Khoury, a Lebanese theologian and Islamic scholar, Murad Wilfried Hoffmann, a German lawyer and diplomat who converted to Islam in 1980, and Hartmut Bobzin published more complete translations of the Quran, which have received much attention.

Argument & Discussion : *The first question that is usually asked in the translation process is the purpose of the translation. Translation as a purposeful process plays a significant role in establishing communication and interaction between different linguistic communities and is the most important tool in transferring and adapting linguistic concepts. Albert Naida, one of the contemporary theorists of Bible translation and a believer in formal-dynamic balance, considers translation to be the re-expression of a message from the source language in the form of its closest and most natural equivalent to the target language, observing the meaning in the first step and observing the writing style in the second step.*

The Swiss linguist and theoretician who believes in establishing balance in translation, Werner Koller, believes that the translator should determine the type of balance according to the type of text and his/her reading of the

text. There are five types of textual balance: 1- Balance on the content level of the text 2- Balance on the semantic level of the text 3- Balance on the level of the text type 4- Pragmatic balance 5- Formal-aesthetic balance. Koller believes in three models for the analysis of the translated text: 1- Text analysis. 2- Comparison of translations 3- Evaluation of translation in terms of translation quality in choosing words to convey meaning and aesthetic sense

Conclusion: *In the examination of Quranic translations of the last fifty years, it seems that the criterion of translations is its reader-centeredness. In Bobzin's translation, the expressiveness of the expression, the naturalness of the language structure, and the comprehensibility of the text message, which are among the priorities of dynamic translation, are well taken into account. The translator has tried to be faithful to the original text, while using the words, to choose equivalents that are closer to the target language in terms of maintaining the balance in the content and meaning of the text, as well as the formal-aesthetic balance, and the German-speaking reader can accept the translation.*

Based on Werner Koller's evaluation model, Bobzin's translation can be considered a successful translation in terms of the quality of the translation in the selection of suitable and equivalent words to convey the meaning and aesthetic sense, and his translation style is an example of the "content-to-content" translation.

Keywords: "Quran translation", "Hartmut Bobzin", "text-oriented (formal equivalent)", "reader-oriented (functional equivalent)", "Werner Koller"

References :

- Ahmadi, Mohamad Rahim. "An Introduction to the Deconstructive Trends of Antoine Berman". *Critical Language & Literary Studies*, No. 10, P. 1-21, 1392/ 2013
- Alwiri, Mohsen. "Islamic Studies in the West". SAMT, Tehran, 1381/ 2002
- Bobzin, Hartmut. "Der Koran". München: Verlag C. H. Beck 2010
- Bobzin, Hartmut. "Den Koran übersetzen, aber wie?" zu den besonderen Herausforderungen bei der Übersetzung, ein Gespräch mit Claudia Otto, 2007
- Bobzin, Hartmut. "Der Koran im Zeitalter der Reformation". Franz Steiner Verlag, Stuttgart 1995
- Bobzin, Hartmut. „Interview mit dem Koranforscher Hartmut Bobzin. Für die Neuübersetzung musste ich quasi am Nullpunkt beginnen“ in: boersenblatt.net, 21.06.2010, <http://www.boersenblatt.net/387100/> [26.01.2013
- Haghani, Nader. "Theory and Theories of Translation". Amirkabir, Tehran, 1386/2006
- Jawaheri, Mohammad Hassan. "A research on the principles, bases and process of Quran translation, Quranic researches, No. 42, 43, special issue of Quran translation, 1384/ 2005
- Kariminia, Morteza. "German translation of the Qur'an by Hartmut Bobzin", translator of revelation, 4 No. 1, P. 117-122, 2008
- Khazahie Faried, Ali. "Aesthetic balance in the translation of literary texts". *Translator's Quarterly*, 2015
- Khalili Teilami, Fahime & Sokhanvar, Jalal. "Shakespeare and the Holy Qurán: Religious Tragedy of Hamlet", *Critical language & literary Studies*, No. 28, P. 103-126, 1401/ 2022
- Koller, Werner. "Einführung in die Übersetzungswissenschaft". 8. Auflage, UTB GmbH. 2011
- Miremadi, Seyyed Ali. "Translation theories and the difference between writ-

- ten and simultaneous translation“. 1. Auflage, Baharestan, 1989
- Nöldeke, Theodor. "Die Geschichte des Qorans“. 1. Bd., Dieterich'sche Verlag, Leipzig, 1909
 - Paret, Rudi. "Der Koran". Ansariyan Publications, Qum, 1966
 - Pasha Zanuns, Ahmad. "A look at the use of (hata) in Arabic“. Humanities Research Journal, No. 42,43, (Special of Arabic language and literature), 1384/2005
 - Resaie Esfahanie, Mohammad Ali. "Logic of Qur'an translation“. Publicae tions of the World Center of Islamic Sciences, Qom, 1384/2005
 - Resaie Esfahanie, Mohammad Ali. Schefer, Stefan Friedrich. "Islam and Iran in German literature“, Journal of Orientalist Qur'an Studies (Qur'an and Orientalists), No. 18. P. 1-20, 1394/2015
 - Shamsabadi, Hossin. "Theory of translation and applied translation from Arabic to Persian“. Chapar, Tehran, 1380/2001
 - Schimmel, Annemarie. "Die Religion des Islam. Eine Einführung“. Stuttgart: Reclam, 1999
 - Schimmel, Annemarie. "Auf den Spuren der Muslime. Mein Leben zwischen den Kulturen“. Herausgegeben von Hartmut Bobzin und Navid Kermani. Freiburg im Breisgau, Herder, 2002
 - Stolze, Rade Gundis. "Übersetzungstheorie“. 5. Auflage, Tübingen, Verlag GmbH, 2008
 - Zamani, Mohammad Hassan & Hossinshah, Isar. "Factors of transformation of approaches in Western Quranic studies“, The Qur'an from Orientalists Point of View Qur'an and Orientalists No. 27, P. 227-250, 1398/2019
 - Ziyar, Mohammad. "An introduction to translation and retranslation Theories of the Quran“, Pazhoesh Name-ye Quran and Hadith, No.11, P. 73-95, 1391/2012